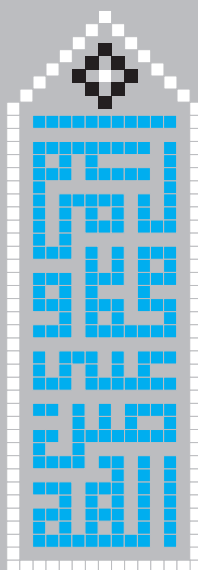


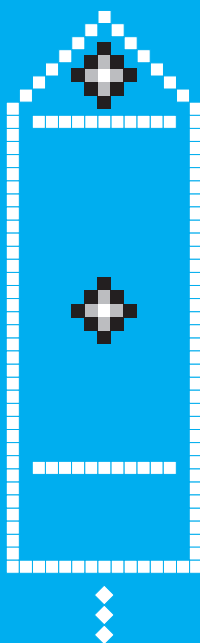
اسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه: گانکل، دیوید ج.، ۱۹۶۲-م. - Gunkel, David J., 1962-
 عنوان و نام پدیدآور: هایدگر و رسانه/ دیوید گانکل، پل تیلور؛
 مترجمان: امیر دل‌زنده‌نژاد، محمد خندان.
 مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری،
 پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری: یازده، ۲۲۷ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 فروست: مجموعه فیلسوفان و رسانه/دیر مجموعه محمد خندان.
 شابک: ۴-۶-۹۲۵۸-۹۲۲۲-۹۷۸ دوره: ۷-۵-۹۲۵۸-۹۲۲۲-۹۷۸
 یادداشت: عنوان اصلی: Heidegger and the media, 2014.
 موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹-۱۹۷۶م. -- نقد و تفسیر
 موضوع: Heidegger, Martin -- Criticism and interpretation
 موضوع: رسانه‌های گروهی -- فلسفه Mass media -- Philosophy
 شناسه افزوده: تیلور، پل ا.، ۱۹۶۷-م. Taylor, Paul A.
 شناسه افزوده: دل‌زنده‌نژاد، امیر، ۱۳۵۹-، مترجم
 شناسه افزوده: خندان، محمد، ۱۳۶۱-، مترجم
 شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
 رده‌بندی کنگره: ۲/۵۲ B۳۲۷۹ رده‌بندی دیویی: ۳۰۱/۲۳۰۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۸۶۴۴۹۴



مجموعه فیلسوفان و رسانه
هایدگر و رسانه

دیوید گانکل و پل تیلور
مترجمان: امیر دل زنده نژاد و
محمد خندان (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)





پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

مجموعه فیلسوفان و رسانه؛

هایدگر و رسانه

دیوید گانکل و پل تیلور

مترجمان: امیر دل‌زنده‌نژاد و محمد خندان

دبیر مجموعه و ناظر علمی: محمد خندان

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

صفحه‌آرا: احمد الهی

چاپ: پیکان

چاپ نخست: ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شاپک دوره: ۷-۵-۹۲۵۸۰-۶۲۲-۹۷۸

شاپک جلد: ۴-۶-۹۲۵۸۰-۶۲۲-۹۷۸

نشانی:
تهران، خیابان سمیه،
حوزه هنری، پژوهشکده
فرهنگ و هنر اسلامی
کدپستی: ۱۵۹۷۱۹۵۱۴
شماره تماس: ۸۸۸۹۶۹۳۳



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس نشر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۰۹۱۰۸۱۰۴۲۸

فهرست مطالب



پیشگفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی	۷
سیاسه‌گذاری	۱۰
پیشگفتار نویسنده	۱۲
مقدمه	۱۸



۴۳ فصل نخست: باید دربارهٔ رسانه صحبت کنیم

مقدمه: سخن دربارهٔ رسانه	۴۴
رسانهٔ بازنمایی: زبان ابزاری و زبان سازه‌ای	۴۶
ارتباط و گفتار	۵۲
وراجی و دیکتاتوری واقعی فرد منتشر: تویتر پیش از نامه	۵۹
زبان و «زبان» (۳): رسانه‌گری و گشودگی به هستی	۶۵
دو نسخه از آنتی‌رنالیزم	۷۱
نتیجه‌گیری: واقعیت رسانه	۷۹



۸۵ فصل دوم: حقیقت رسانه‌ای

مقدمه: امر حقیقی، امر صحیح، و چرخ‌دستی دزدیده‌شده	۸۶
غار افلاطون: تطابق به مثابه وضع پیش فرض	۹۱
پرسش از حقیقت	۹۵
مسئلهٔ چیزهای واقعی	۹۹
نمایش امر واقعی: نظریهٔ تطابق و رسانه	۱۰۴
فراتر از تطابق: رسانه به مثابه نمایش ارتباطی تعین‌بخش	۱۰۹
سخن‌گفتن از بازنمایی: ناپوشیدگی	۱۱۴
نتیجه‌گیری: مکاتبه با مک‌لوهان	۱۱۸



فصل سوم: در میانه	۱۲۵
مقدمه: اولویت با اولین چیزهاست	۱۲۶
چیزهایی پیرامون تجهیزات	۱۳۰
موجود تودستی یا چگونه همه چیز رسانه است؟	۱۳۳
موجود فرادستی و مشکلات تکنیکی... لطفاً لحظه‌ای درنگ کنید	۱۳۸
پرسش از چیزهای رسانه‌ای	۱۴۵
حمله‌ هایدگر به ابژه‌ها	۱۵۱
نتیجه‌گیری: ابعاد انتقادی چیزی که رسانه نام دارد	۱۵۳



فصل چهارم: دازاینِ نرم افزارهای کاربردی رسانه‌ای: پرسش از تکنولوژی	۱۶۱
مقدمه	۱۶۲
ابزارگونگی ابزارها	۱۶۵
ابوالهول متافیزیکی پسر پیشاهنگِ تکنولوژی	۱۶۹
وضعیت رسانه‌ها	۱۷۵
نزدیکی رسانه‌ای	۱۸۰
نرم افزارهای کاربردی رسانه‌ای: تقاضای نزدیکی یکنواخت	۱۸۴
مدارهای رسانه‌ای: زنجیره تقاضای وضعیت مندی	۱۸۷
نوستالژی حفظِ قدرتِ هنر	۱۹۱
دازاین: عصر تصویر جهان	۱۹۶
نتیجه‌گیری	۲۰۰



نتیجه‌گیری؛ چیزی بیرون از تکنولوژی وجود ندارد	۲۰۳
بازبینی نظریه حقیقت هایدگر	۲۱۱
قدرت نجات‌دهنده نظریه رسانه‌ای هایدگر	۲۱۳



یادداشت‌ها	۲۱۵
منابع و مأخذ	۲۱۹



پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



امروزه رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های جدید مبتنی بر فضای مجازی، نقشی مهم در معنابخشی به زندگی انسان ایفا می‌کنند. کار و فراغت انسان، به‌عنوان دو بعد اصلی زندگی، هرچه بیشتر به رسانه‌ها متکی شده‌اند. از این‌رو فهم ابعاد فلسفی رسانه‌ها به یک ضرورت انکارناپذیر در جهان معاصر بدل شده است. با وجود این، یکی از حوزه‌هایی که در کشور ما آن‌طور که باید و شاید مورد توجه مجامع علمی قرار نگرفته، همین حوزه «فلسفه رسانه» است. به‌رغم نفوذ قوی رسانه‌ها در ابعاد مختلف زندگی، کمتر به این مسئله پرداخته‌ایم که رسانه چه نسبتی با هستی و معنای زندگی ما دارد. بنابراین لازم است به قدر وسع خود در پر کردن این خلأ بکوشیم. ما در مواجهه با رسانه‌ها و تکنولوژی‌های جدید، از جمله رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، علاوه بر کسب «مهارت» در استفاده از این تکنولوژی‌ها، نیازمند حصول «خودآگاهی» در قبال آنها هستیم تا فاصله معقولی با آنها داشته باشیم. حفظ فاصله معقول با اشیا، به‌عنوان عملی انسانی، می‌تواند یا ناشی از احساس «ترس» باشد، یا ناشی از خودآگاهی فلسفی در قبال «امکان‌ها و خطرهای» توأمان آنها. آنچه راهگشای فرهنگ انسانی است، گذر از ترس‌های غریزی به خودآگاهی فلسفی است. مواجهه فلسفی با فضای مجازی، کوششی برای گشودن راه‌های چنین گذری است. آشنایی با افکار فلسفی در زمینه رسانه و به‌ویژه فضای مجازی، می‌تواند به رشد خودآگاهی فلسفی در قبال جامعه و جهان معاصر در بین ما ایرانیان کمک کند.

رسانه‌ها و نظام‌های اطلاعاتی در افق امکان‌های متناهی ما که به گشودگی جهان وابسته است، تأسیس و تقویم می‌شوند و از این رو ضمن این که می‌توانند از برخی جهات امکان‌هایی نجات‌آفرین و رهایی‌بخش به ما عرضه کنند، از برخی جهات دیگر متضمن فروبستگی و به مخاطره افکندن برخی جوانب وجودی انسان هستند. برخلاف پاره‌ای مشهورات رایج، در عصر رسانه‌ها و جامعه اطلاعاتی، آزادی و رهایی اموری از پیش داده‌شده و تعیین‌یافته نیستند، بلکه رسانه‌ها و تکنولوژی‌های اطلاعاتی به نحو همزمان بر خطر و نجات دلالت دارند و بهره‌مندی از امکان‌های نجات‌بخش آنها مستلزم «مراقبه» و «مبالات» در مورد وجود انسان و ارزش‌های انسانی است. فلسفه از دیرباز نوعی مراقبت برای حفظ اعتدال در زندگی انسان تلقی می‌شده است و اکنون نیز می‌تواند به ما بیاموزد که چگونه در جهان رسانه‌ای شده، اهل خودنگهدای و کف نفس و اعتدال باشیم و در بین ساحات مختلف زندگی محدود خویش، موازنه و تعادل برقرار کنیم. مواجهه با آراء فیلسوفان بزرگ در هر زمینه‌ای می‌تواند سرآغاز مناسبی برای تمرین تفکر فلسفی در آن زمینه باشد. فیلسوفان بزرگ آموزگاران تفکر به انسان‌اند و ما در بحث از آراء آنها، صرفاً به نشر و انتقال افکارشان به دیگران نمی‌پردازیم، بلکه مهم‌تر از آن، در راه و رسم تفکر با آنان شریک می‌شویم و سیر در طریق تفکر را از آنان فرامی‌گیریم. فلسفه‌ورزی در حوزه «فلسفه رسانه» را نیز می‌توانیم با گفتگو و بحث درباره آراء فیلسوفان و متفکران بزرگ و اثرگذار بی‌اغازیم. چنین تلقی‌ای منجر به ترجمه مجموعه «فیلسوفان و رسانه» شده است. در هر مجلد از مجموعه «فیلسوفان و رسانه» دلالت‌های آراء یکی از فیلسوفان و متفکران اثرگذار قرن بیستم، شامل مارتین هایدگر^۱، والتر بنیامین^۲، پل ویریلیو^۳، فریدریش کیتلر^۴، اسلاوی

1. Martin Heidegger

2. Walter Benjamin

3. Paul Virilio

4. Friedrich Kittler

ژیژک^۱، و مانوئل کاستلز^۲ در عرصه رسانه و تکنولوژی اطلاعات بررسی می‌شود. مجلد حاضر به شرح آراء مارتین هایدگر اختصاص دارد که توسط دیوید گانکل^۳، استاد ارتباطات در دانشگاه ایلینوی شمالی^۴، و پل تیلور^۵، دانشیار مؤسسه مطالعات ارتباطات دانشگاه لیدز^۶ نوشته شده است. موضوعاتی که این کتاب به آنها پرداخته، عبارتند از: تحلیل نظریه زبان هایدگر و جایگاه آن در مطالعات ارتباطات؛ تفسیر انتقادی رسانه‌های جمعی و فرهنگ دیجیتال با اتکا به مفاهیم فلسفه هایدگر، از نخستین آثارش مانند هستی و زمان تا آثار دوره متأخرش؛ بحث درباره وجود رسانه‌ای شده و گرایش آن به شیئی‌سازی؛ و شرح دلالت‌های آراء هایدگر در نظریه رسانه. کتاب زبانی روان دارد و مفاهیم غامض تفکر هایدگر را به نحوی روشن و زودپای توضیح داده است تا فهم مضامین تفکر هایدگر و دلالت‌های آن در حوزه مطالعات رسانه و ارتباطات برای متخصصان این حوزه‌ها که مشغله اصلی‌شان فلسفه نیست، راحت‌تر شود. اسلاوی ژیک درباره این کتاب گفته است: «سرانجام، گزارشی دیر هنگام از اهمیت عمیق هایدگر برای فهم رسانه‌های معاصر ارائه شد. گانکل و تیلور جوانب فلسفی مطالعات رسانه و فرهنگ را که محققانِ زبان‌اندیش در آن ناکام بوده‌اند، به خوبی روشن می‌سازند. مطالعات هایدگر و مطالعات رسانه پس از انتشار این کتاب به همان حالِ قبل باقی نخواهند ماند».

محمد خندان

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

1. Slavoj Žižek

2. Manuel Castells

3. David Gunkel

4. Northern Illinois University

5. Paul Taylor

6. Institute of Communication Studies at the University of Leeds



سپاسگزاری



فرض را بر این گرفتیم که نگارش این کتاب کار ساده‌ای است. پل به تازگی نگارش کتاب ژیتک و رسانه^۱ (۲۰۱۰) را تمام کرده بود و به همین دلیل، با ساختار و لحن لازم برای نگارش این مجموعه آشنا بود. دیوید به تازگی کتاب پرسش ماشین: دیدگاه‌های انتقادی دربارهٔ هوش مصنوعی، ربات‌ها، و اخلاق^۲ (۲۰۱۲) را کامل کرده بود، که علاوه بر چیزهای دیگر، روشی را برای استفاده از ایده‌های مارتین هایدگر در بررسی نوآوری‌های جدید در تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، فراهم می‌کرد. ما اشتباه فکر کردیم. نوشتن این کتاب دشوارتر از پیش‌بینی‌مان بود، اما همین، دلیل خوبی بود. در واقع با شروع نگارش فصل‌ها، همهٔ چیزهایی که از قبل فکر می‌کردیم دربارهٔ رسانه‌ها و هایدگر می‌دانیم، مشکوک و پرسش‌برانگیز شدند. نه این‌که شاکی باشیم. این دقیقاً همان چیزی است که امیدوار بودیم در کتاب ارائه کنیم؛ [یعنی] چالشی عمده و صریح برای بازنگری در آثار مارتین هایدگر و آنچه معمولاً «رسانه» می‌نامیم؛ فقط نمی‌دانستیم این کار تا کجا پیش خواهد رفت. در پیمودن این راه (استعاره‌ای مشخصاً هایدگری) اشخاصی به ما کمک کردند که مایلیم از آنها نام ببریم. هر دوی ما از اندرو جی. میچل^۳ تشکر می‌کنیم برای این‌که ترجمه‌اش از سخنرانی‌های برمن و فرایبورگ هایدگر را در اختیارمان گذاشت.

1. Žižek and the Media

2. The Machine Question: Critical Perspectives on AI, Robots and Ethics

3. Andrew J. Mitchell

از طرف پل: غریوی مستانه نثارِ اعضای گروهِ بوث^۱ در می‌کده ویکتوریا-
 دیوید، بن^۲، ملیسا^۳، استوارت^۴، هایدی^۵، کالوین^۶، و سیتا^۷- و عشق و تشکر
 فراوان از ریچل^۸ و باربی^۹، سگِ بول‌تریر، بابت «زندگی خوب» در «کمراگ»^{۱۰}
 که مشابه خلوتگاه هایدگر در «جنگل سیاه»^{۱۱} است. به سلامتی!^{۱۲}
 از طرف دیوید: سپاس بی‌کران از کسانی که راه خواندنِ هایدگر را نشان
 دادند: توماس شیهان^{۱۳}، جان سالیس^{۱۴}، و دیوید فارل کرل^{۱۵} و تشکروییژه از
 آنجا^{۱۶}، استاس^{۱۷}، و ماکِی^{۱۸}.

1. Booth Group

2. Ben

3. Melissa

4. Stuart

5. Heidi

6. Calvin

7. Sita

8. Rachel

9. Barbie

10. Cymraeg

11. Black Forest

12. Wyau Hapus

13. Thomas Sheehan

14. John Sallis

15. David Farrell Krell

16. Anja

17. Stas

18. Maki



پیش‌گفتار نویسنده



من فیلسوفم، نه دانشمند؛ و ما فیلسوفان در طرح پرسش، بهتر از ارائه پاسخ عمل می‌کنیم. به‌رغم آنچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد، [با این عبارات] به خودم و رشته‌ام توهین نکرده‌ام. یافتن پرسش‌های بهتر، شکستن عادت‌ها و سنت‌های قدیمی پرسش، بخشی بسیار دشوار در طرح بزرگ انسانی برای فهم خود و جهان‌مان است (دنت، ۱۹۹۶: vii).

فلسفه، برخلاف علوم تجربی یا دیگر فعالیت‌های پژوهشی، لزوماً اهمتامی به پاسخ‌ها ندارد. هایدگر مانند فیلسوف امریکایی، دانیل دنت، به ارائه راه‌حل برای پرسش‌ها و مباحث مطرح‌شده علاقه‌ای ندارد و خودش را وقف بازنگری در تمامی آن پرسش‌هایی کرده است که نوعاً به شیوه‌ای نسبتاً غیرانتقادی طرح شده‌اند. هایدگر بر شیوه‌های اغلب ناشناخته‌ای تأکید می‌کند که در آنها، نوع روش‌های تحقیق متداول ما از قبل تعیین می‌کند که درباره چه چیزهایی می‌توان پرسش کرد یا چه شواهدی برای اثبات، مناسب دانسته می‌شود و نتایج ممکن چه می‌تواند باشد. انکار نمی‌کنیم که این امر باعث می‌شود خواندن آثار هایدگر برای خوانندگان معاصری که چندان مهیای چنین شیوه‌ای نیستند، اگر نه دل‌سردکننده، لااقل چالش‌برانگیز باشد. ما در عصری زندگی می‌کنیم که پرسش‌ها، عموماً،

خواستار پاسخ‌های فوری‌اند و اغلب، اگر پرسشی را با پرسشی دیگر پاسخ دهیم وجه خوبی ندارد، اما این دقیقاً همان کاری است که هایدگر می‌کند و در نگاه ما، نمایانگر تلاش فلسفی اصیل است؛ تلاشی که بسیار ضروری و مورد نیاز تحقیق است و روزبه‌روز، علوم اجتماعی مدعی^۱ به آن بی‌توجهی می‌کنند؛ همان علوم اجتماعی که در آن، بت‌ساختن از روش‌شناسی اغلب به‌مثابه دلیلی ضعیف برای تفکر اصیل و واقعی عمل می‌کند.

با توجه به این تعهد فلسفی به تحقیق انتقادی، بلافاصله سؤالی درباره هایدگر و همکاری ننگین او با حزب نازی مطرح می‌شود. طبق گفته میگل دیستگی^۲ (۲۰۰۵: ۱۵۵) «هیچ جنبه‌ای از زندگی و آثار هایدگر بحث‌برانگیزتر از مشارکت او به‌نفع ناسیونال‌سوسیالیسم و دوران تصدی وی به‌عنوان اولین رئیس نازی دانشگاه فرایبورگ از می ۱۹۳۳ تا آوریل ۱۹۳۴ نیست». اگرچه هایدگر فقط دوازده ماه بر کرسی ریاست [دانشگاه] نشسته بود، حوالی پایان جنگ، کمیته دولتی تصفیۀ سیاسی (بخشی از روند ضدنازی‌گری بعد از جنگ در مارس ۱۹۴۹) رسماً او را طرفدار نازی‌ها شناخت. هایدگر روایت خود را از این دوران سخت در مصاحبه با روزنامه آلمانی اشپیگل^۳ بیان می‌کند. این مصاحبه بعد از مرگش در ۱۹۷۶ چاپ شد (البته شرط خودش برای مصاحبه این بود که متن مصاحبه بعد از مرگش چاپ شود). اغلب متفکران دانشگاهی، به‌رغم دلیل منطقی او، توضیحات علنی‌اش را به طرز آسف باری ناکافی و مصرانه غیرقابل دفاع دانستند و این سخنان هایدگر بیش از آن‌که به آنها پاسخ داده باشد، به پرسش‌های بیشتری منجر شد. یکی از آن پرسش‌ها که هنوز باید بدان توجه کرد این است: آیا چیزی در آثار هایدگر هست که بشود یا باید آن را حفظ کرد؟ این باور ما که تفکر هایدگر هنوز ماندگاری‌اش را توجیه می‌کند، بر دو نکته مهم استوار است:

1. self-styled

2. Miguel de Beistegui

3. Der Spiegel

۱. امتناع از پرداختن به فلسفه هایدگر فایده‌ای ندارد، زیرا هایدگر بر طیفی از متفکران آشکارا ضدفاشیسم و غیرنازی نفوذ عمیقی داشته است؛ متفکرانی همچون هانا آرنت، هربرت مارکوزه، ژان پل سارتر، و ژاک دریدا. شناخت درست این متفکران و دیگر متفکران مهم تاریخ، مستلزم پرداختن به نوشته‌های هایدگر است؛ صرف نظر از این که هر سانسوری را که دوست داریم در مورد شخص وی اعمال کنیم.

۲. در فلسفه هایدگر هیچ چیز ذاتاً فاشیستی یافت نمی‌شود. در واقع، نقد او از تکنولوژی که در این کتاب توضیح داده می‌شود، باعث ظهور مباحث عمیقی درباره نقش تکنولوژی در انسان‌زدایی از مردم^۱ شده است که اردوگاه‌های کشتار متعلق به نازی‌ها، تاریک‌ترین ظهور تاریخی آن است. در این باره، نقد تفکر هایدگر صرفاً بر مبنای نقضی با عنوان «وابستگی عمیق سیاسی‌اش به حزب نازی و عضویتش در آن» نه تنها صحیح نیست، بلکه باعث ازدست رفتن فرصت‌هایی برای فهم بهتر نقش تکنولوژی در تسهیل ایدئولوژی نازی‌ها می‌شود. توجیه اول، از وظایف کتابی درباره تکنولوژی رسانه خارج است، اما توجیه دوم به دیدگاه منحصربه‌فرد هایدگر در مورد مفهوم ذات^۲ مربوط می‌شود، آنچنان که با محیط رسانه‌ای معاصر ما مرتبط است؛ جایی که (زیر سایه ضرب‌المثل معروف مارشال مک‌لوهان که «رسانه پیام است»)^۳ به دلیل تمایل به تمرکز بر جنبه‌های سطحی محتوای رسانه‌ها در قیاس با فرم آنها، اغلب از تأثیرات بنیادین اجتماعی رسانه‌ها غفلت می‌کنیم.

در واقع، این دغدغه شاهدهی آشکار در متون مربوط به هولوکاست است که منتقدان هایدگر آن را دلیلی بر روشن‌فکری ناموجه و نامقبول بودن^۴ او می‌دانند. هایدگر در یک سخنرانی با عنوان گشتل [یا قالب‌بندی]^۵ در سال ۱۹۴۹ می‌گوید که چگونه «کشاورزی امروزه صنعت غذایی مکانیزه‌ای است که در ذاتش، شبیه تولید اجساد در اتاق‌های گاز و اردوگاه‌های کشتار جمعی، بلوکه‌کردن کشورها، و

1. dehumanizing people

2. essence

3. persona none grata

4. Enframing

زجرکش کردن آنها از گرسنگی و تولید بمب‌های هیدروژنی است» (سخنرانی‌های فرایبورگ و برمن^۱: ۲۷). این اظهارات هایدگر دربارهٔ یکسان‌انگاشتن کشاورزی و قتل عام، به نقدهای وسیعی همچون نقد دیویدسن^۲ (۱۹۸۹: ۴۲۴) از او منجر شد که می‌گوید: «وقتی با اظهارات هایدگر در سال ۱۹۴۹ مواجه می‌شویم، از ناتوانی او- که می‌توان آن را ناتوانی متافیزیکی نامید- در تصدیق سرنوشت روزمرهٔ جسم و روح مبهوت می‌شویم؛ گویی سوزاندن بوروکراتیزهٔ انسان‌های گزینش‌شده، چندان تفاوتی با آن چیزی ندارد که در سازمان صنایع غذایی، توسط نیروهای تکنولوژی به بشریت اعمال می‌شود». دیویدسن با پیش‌کشیدن عبارت «چندان تفاوتی ندارد»، از یک نکتهٔ فلسفی مهم هایدگر غفلت می‌کند. دیویدسن صرفاً با تمرکز بر این عبارت هایدگر، یعنی «شبهه... بودن»، قیدوشرطی را که بلافاصله بعد از این عبارت می‌آید نادیده گرفته است؛ یعنی عبارت «در ذات». با این مفهوم خاص است که کار هایدگر، علی‌رغم، تکرار می‌کنیم، تردیدهای کاملاً قابل درک که ممکن است در مورد خود او داشته باشیم، بصیرت‌های بسیار مهمی در مورد تأثیر اجتماعی تکنولوژی و به‌ویژه تکنولوژی رسانه ارائه می‌دهد.

در اینجا، ذکر این نکته بسیار مهم است که هایدگر نمی‌گوید مکانیزه‌کردن کشاورزی و اردوگاه‌های کشتار جمعی یکسان هستند، بلکه مقصودش شباهت در ذات است و همین مفهوم‌پردازی است که برای فهم ما از رسانه، به مثابه بخشی لاینفک از محیط تکنولوژیک متنوع با خصوصیات ذاتی مشترک، کاربرد زیادی دارد. همان‌گونه که هایدگر آن را به‌خوبی این‌گونه توصیف می‌کند: «شباهت به معنای یکسانی^۳ نیست، بلکه شباهت فقط تلاقی و درهم‌آمیزی نامتمایزی از هویت (این همانی)^۴ است. شباهت بسیار بیش از رابطهٔ تمایزگذاری است» (سخنرانی‌های فرایبورگ و برمن: ۴۹). هر دوی این جملات آشکارا متناقض‌نما، یعنی هم جملهٔ قبلی و هم جملهٔ بعد از آن، که «ذات تکنولوژی به هیچ‌وجه امری

1. BFL

2. Davidson

3. das Gleiche

4. Identical

5. paradoxical